



مطبوعات

با مشکلاتی از همه رنگ

مسائل مطبوعات از نگاه روزنامه‌نگاران

مریم خورسندجلالی - آسیه امینی

حیطه فعالیت می‌کنند، اما سعی دارند در این همایش به استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و جایگاه آن در فرهنگ عمومی بپردازند.

اینکه چه قدر این سمینار می‌تواند به طور اساسی، موفق به اتخاذ تصمیم‌هایی با ضمانت اجرایی کافی شود، بستگی به توان و حضور بیش از پیش خود روزنامه‌نگاران و دلسوختگان مطبوعات دارد. اینکه چه قدر کمر همت بسته‌ایم تا راهی را که سالها پیش باید می‌بیمودیم، جهش‌وار بپیماییم و از بحرانی خاکستری به عصری نو و سپید برسیم.

در این گزارش از چند روزنامه‌نگار خواسته‌ایم که به نقد خود و مطبوعاتی که هنوز نمی‌دانیم متعلق به کیست بپردازند. اگر چه مسایل و مشکلات مطبوعات امروز، آن قدر زیاد است که بررسی و کنکاش در مورد هر کدام از آنها در یک گزارش نمی‌گنجد، اما تصمیم گرفته‌ایم یک‌بار دیگر، همراه شما «مطبوعاتی‌ها» به کنکاش بنشینیم و ببینیم که مسایل مطبوعات ما چیست و راه چاره‌اش کجاست؟

کیفیت و محتوا، قربانی کمیت مطبوعات!

لزوم تنوع در مطبوعات ایران اگر چه ضرورتی است انکارناپذیر، اما این سؤال نیز به قوت خود باقی است که برای رسیدن به این تنوع چه بهایی باید بپردازیم؟ آیا اگر این ضرورت به هر قیمتی حاصل شود باز مطلوب خواهد بود؟ اگر تا دیروز، مخاطبان از محدودیت عناوین نشریات گله داشتند، امروز از تکراری بودن محتوای آنها گله‌مندند. تعداد عناوین نشریاتی که تا اردیبهشت ۷۷ مجوز

یک‌بار دیگر می‌خواهیم برای این پرهیب صدوهفتاد ساله قلم به دست گردیم آیینم و بازم به بررسی مسایل و مشکلاتش بپردازیم. ضعف‌های اساسی و کلی مطبوعات ایران، نه بر قلم‌بدستان و نه بر مسئولان اجرایی کشور پوشیده نیست. مطبوعاتی که در مقایسه با کشورهای مشابه، تیراژ کمتر و مشکلات بیشتری دارند. مشکلاتی که هربار به بهانه‌ای بر آنها انگشت می‌گذاریم و گهگاه با آنها دست و پنجه نرم می‌کنیم.

در این میان، مهمترین سؤال این است که چه کسی بیشتر از همه محق است در مورد رکن چهارم دموکراسی نظر دهد؟ آیا مردم، چون بر مطبوعات اعمال نظر می‌کنند و پنهان و پیدا در تعیین خط‌مشی بسیاری از نشریات تأثیر می‌گذارند یا روزنامه‌نگاران که ره‌ها از اعمال نظرهای شخصی و سیاسی مدیران مسئول، در میدانی که اسیر مسایل سیاسی است، حق بیشتری برای بیان نقش‌ها و کارکردهای مطبوعات دارند؟ شاید هم هیچ کدام؟! به راستی باید از چه کسی پرسید که این همه مشکل درونی و بیرونی مطبوعات از کجا ناشی شده؟ مسئول آن کیست و راه درمانش چیست؟ ما روزنامه‌نگاران هر سال را به امید سال بعد به پایان می‌بریم که انشاءالله سال آینده کسی پیدا می‌شود و با تدبیرش، همه مشکلات را از سر راه صنف روزنامه‌نگار برمی‌دارد او کیست؟ از شما می‌پرسم؟

دومین سمینار بررسی مسایل مطبوعات ایران با فاصله نزدیک به هشت سال از اولین همایش، در چهار محور پیشنهادی تصمیم دارد تا در مورد جایگاه مطبوعات در جامعه بحث و روشن‌نگری کند. مطبوعاتی‌ها هنوز درگیر شناخت مسایل ساختاری، اقتصادی، مدیریت، آزادی و حاکمیت قانون و نقش دولت هستند. مطبوعاتی‌ها هر چند نمی‌دانند در حال حاضر، چند روزنامه‌نگار رسمی و غیررسمی در این

انتشار گرفته‌اند ۱۰۵۵ مورد بوده است، اما به راستی در این توسعه کمی چه میزان تحول کیفی صورت گرفته است؟ طبیعی است، پیش شرط این تحول کیفی، برخورداری نشریات از نیروی انسانی متخصص و مدیران کارآمد است.

«جمیله کدیور» عضو شورای سردبیری روزنامه اطلاعات در مورد توسعه کمی مطبوعات و موانع تحول کیفی آنها می‌گوید: «به دلیل رشد بی‌رویه مطبوعات طی چندسال اخیر، گاهی محتوا فدای کمیت شده و کیفیت تحت‌الشعاع کمیت نشریات قرار گرفته است. هرچند با افزایش تعداد مطبوعات شاهد شکل‌گیری و انتشار نشریات وزین و پرمحتوا نیز بوده‌ایم ولی میزان این نوع نشریات که حرفی برای گفتن داشته‌اند، به نسبت نشریات عامه‌پسند و سطحی، بسیار اندک بوده است. از مهمترین آثار توسعه کمی مطبوعات، بدون توجه به صلاحیت‌های لازم برای صاحبان امتیاز یا مدیران مسئول، می‌توان به رواج سطحی‌نگری، تنگ‌شدن مجال برای نشریات وزین، هدر رفتن سرمایه و تکرار حرف‌های بی‌محتوا از جمله مصاحبه‌های بی‌هدف، اخبار بدون پشتوانه، گزارش‌های وارونه و... اشاره کرد که نتیجه آن، ایجاد فرصت برای هیاهوها و جنجال‌کسانی است که با طرح هر نظر و اندیشه‌ای غیر از اندیشه خود مخالفتند.»

«جمیله کدیور» در ادامه می‌گوید: «به اعتقاد من نمی‌توان رشد کمی مطبوعات را بدون توجه به محتوا، مخاطبان و صلاحیت‌های دست‌اندرکاران نشریه، نمایانگر توسعه فرهنگی دانست. چه بسا نشریاتی که ظهور و حضورشان در عرصه فرهنگ، مخرب اصول و ارزش‌ها، آزادی بیان و قلم، حفظ حقوق و حرمت انسانها و در یک کلام برای نهال نوپای آزادی در کشورمان مضر باشد.»

«محمد حیدری» سردبیر ماهنامه «گزارش» با تأکید بر ضرورت و اهمیت آشنایی صاحب‌امتیاز یک نشریه با دانش اقتصاد روزنامه‌نگاری می‌گوید: «علاوه بر ضرورت برخورداری از چنین دانشی باید توجه داشته باشیم که مطبوعات شامل دو قسمت می‌شوند؛ بخش سخت‌افزار و نرم‌افزار. در قسمت سخت‌افزار، پول، سرمایه، کاغذ و... قرار دارد. شما یک رایانه بدون برنامه را در نظر بگیرید، حتی اگر صدها دستگاه رایانه هم داشته باشید

■ پیش شرط تحول کیفی مطبوعات، برخورداری از نیروی انسانی متخصص و مدیران کارآمد است.

اما این دستگاه‌ها برنامه لازم را برای اجرا نداشته باشند، از دستگاه‌ها به هیچ عنوان نمی‌توان استفاده کرد. این دقیقاً همان نیروی انسانی متخصص در توسعه کمی مطبوعات است که کشور ما از این نظر یکی از فقیرترین کشورهای دنیا محسوب می‌شود. روزنامه‌نگاری، حرفه‌ای است که باید در عمل آن را آموخت. حال اگر در این رایانه‌ها (مطبوعات)، نرم‌افزارهای یکسان ریخته باشیم، نتیجه این می‌شود که مطبوعاتی یک شکل خواهیم داشت.

محدودیت در استفاده از نیروی انسانی متخصص از یک سو و مشکلات مالی و امنیت شغلی روزنامه‌نگاران از سوی دیگر، شاید عاملی در یکسان بودن محتوای بیشتر نشریات هفتگی و ماهانه باشد. به اعتقاد «علی‌اکبر قاضی‌زاده» دبیر گروه اجتماعی جامعه در شرایط کنونی، بر تعداد نشریات افزوده می‌شود اما با وجود تعداد کثیر فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های ارتباطات، بر تعداد «جماعت مطبوعاتی» افزوده نمی‌شود.

وی می‌گوید: «کسی را می‌شناسم که یک اتاق کوچک دارد و در آن اتاق چهار نشریه در می‌آورد. آخر کدام روزنامه‌نگاری است که بتواند ادعا کند هم هنری می‌نویسد و هم ورزشی و هم...؟ برای همین است که بسیاری از این نشریات محتوایی یکسان دارند.»

«علی‌اکبر قاضی‌زاده» با اشاره به نامشخص بودن تعداد روزنامه‌نگاران رسمی و غیررسمی در سطح کشور می‌گوید: «تعداد روزنامه‌نگاران محدود است. وقتی که تعداد نشریات بالا می‌رود نمی‌توانیم که از خارج روزنامه‌نگار وارد کنیم! مطبوعات این آب و خاک، روزنامه‌نگار ایرانی می‌خواهند. روزنامه‌نگارانی تحصیل کرده و آشنا با تمام حقایق موجود مطبوعات. یکی از مسائلی که همواره در بحث

آموزش روزنامه‌نگاری مطرح بوده و حتی در همین نشریه نیز بارها از زبان کارشناسان و استادان ارتباطات به آن اشاره شده، نحوه گزینش دانشجویان روزنامه‌نگاری در دانشگاه‌ها، نظام آموزشی این رشته تحصیلی، به ویژه در دوره‌های کارشناسی و عدم تناسب دانش آموختگان روزنامه‌نگاری با روزنامه‌نگاران موجود در بدنه تحریری مطبوعات کشور بوده است.»

بسیاری بر این باورند که اگر قرار است تغییری در آینده حاصل شود، این تحول باید از دانشگاه‌ها شروع شود. «هادی خانیکی» استاد ارتباطات دانشگاه‌های علامه طباطبایی و تهران و مشاور رئیس جمهوری در امور رسانه‌ها، در مورد نظام آموزشی روزنامه‌نگاری به‌طور عام و گزینش دانشجو به‌طور خاص، می‌گوید: آموزش روزنامه‌نگاری در عین حال که از ویژگی‌های متفاوتی (به نسبت سایر رشته‌ها) برخوردار است، ولی نمی‌تواند از خصوصیت عمومی آنها جدا باشد. برای این که وضع آموزش روزنامه‌نگاری در دانشگاه‌ها را بررسی کنیم، بیشتر باید انتظارمان را از آموزش دانشگاهی روزنامه‌نگاری روشن کنیم. به نظر من در دوره کارشناسی، انتظاری که از یک دانش آموخته روزنامه‌نگاری یا روابط عمومی می‌رود، کسب آمادگی لازم برای ورود به بازار کار است. در حالی که در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا این انتظار بیشتر به داشتن مهارت‌های لازم آموزشی و پژوهشی معطوف می‌شود. به این ترتیب علی‌القاعده در دوره کارشناسی باید خروجی‌های دانشگاه بتوانند در عرصه ژورنالیسم (چه به لحاظ نظری و چه عملی) قابلیت‌های لازم را فرا بگیرند.

جوان بودن جمعیت کشور ما و کم بودن ظرفیت پذیرش دانشجو به صورت نامتمرکز در دوره کارشناسی، یکی از دلایل است. از سوی دیگر هنوز منزلت علمی و اجتماعی رشته روزنامه‌نگاری و روابط عمومی در آن سطح قرار نگرفته است که جزو انتخاب‌های اول متقاضیان باشد.

به این ترتیب از طرفی باید نظام انتخاب دانشجو به سمت دخالت دادن مهارت‌های حرفه‌ای سوق داده شود و از طرف دیگر دانش‌آموزان مستعد و علاقه‌مند، بیشتر متوجه انتخاب این رشته بشوند. یعنی کار فرهنگی

لازم و سازوکارهای حمایتی برای جذب دانشجویان زبده انجام شود.

هرسال، ۱۵۰ روزنامه‌نگار تازه‌نفس از راه می‌رسند

حدود ۶۰ نفر از دانشجویان روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۷۶ دانش‌آموخته شده‌اند. آمار دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد در همین سال حدود ۹۰ نفر است. با این حساب باید سالانه حدود ۱۵۰ روزنامه‌نگار تحصیل کرده و پرانرژی به بدنه تحریری مطبوعات ما متصل شوند. اما واقعیت غیر از این است.

«محمد آل‌ابراهیم» استاد ارتباطات در این باره می‌گوید: «در این که مطبوعات ما با کمبود نیروی انسانی متخصص مواجهند، تردیدی نیست. حضور این رشته در دانشگاه‌ها اگر چه می‌تواند این نیروها را تأمین کند ولی نحوه گزینش این دانشجویان چندان مشکل‌گشای این مسأله نیست.

روزنامه‌نگار باید دارای استعداد ذاتی باشد و آموزش دانشگاهی به کمکش بیاید. برای این منظور، به عقیده من باید آزمون روزنامه‌نگاری به‌طور خاص برگزار شود. نه این که هرکس که تاکنون قلمی هم به دست نگرفته و صرفاً برحسب تصادف این رشته را انتخاب کرده بیاید و بعد از چهارسال هم با عنوان کارشناس روزنامه‌نگاری دانشگاه را ترک کند. البته این نقص شاید ربطی به داوطلبان ما نداشته باشد بلکه سامانه آموزش عالی ما باید ترتیبی دهد که دانشگاه به جای تحویل یک روزنامه‌نگار همه‌کاره، روزنامه‌نگار متخصص پروراند.

با این تفسیر باید گفت که متأسفانه بسیاری از دانش‌آموختگان روزنامه‌نگاری ما اصلاً به درد این کار نمی‌خورند.»

روزنامه‌نگاری، اگر غم نان بگذارد!

روزنامه‌نگار کیست؟ شاید یافتن پاسخی صحیح و صریح برای این پرسش، بسیاری از دغدغه‌های روزنامه‌نگاران را کاهش دهد. روزنامه‌نگار کسی است که با وجود داشتن کوتاه‌ترین عمر در میان صاحبان مشاغل دیگر، در حالی که برای احیای حقوق مردم در تلاش و تکاپوست، کسی را برای مدد خود ندارد. علی‌رغم نداشتن تمکن مالی و همچنین



■ **جمیله کدیور مشاور**
رئیس‌جمهوری در امور رسانه‌ها
و عضو شورای سردبیری
روزنامه اطلاعات: هرچند با
افزایش تعداد مطبوعات شاهد
شکل‌گیری و انتشار نشریات
وزین و پرمحتوا نیز بوده‌ایم ولی
میزان این نوع نشریات که حرفی
برای گفتن داشته‌اند، به نسبت
نشریات عامه‌پسند و سطحی
بسیار اندک بوده است.

حفظ استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران منوط به آن است که روزنامه‌نگار از امنیت شغلی و مصونیت لازم برای انجام وظایف خود برخوردار باشد. طبعاً از روزنامه‌نگاری که فاقد مصونیت لازم و امنیت شغلی برای انجام وظیفه است و همواره دلهره و هراس از نتایج تحلیل و گزارش و خبرهای خود دارد، توقع نمی‌رود که دل به کار دهد و در ورای تلکس‌های ارسالی خبرگزاری‌ها فعالیتی اضافه انجام دهد.

«محمد حیدری» سردبیر ماهنامه گزارش می‌گوید: «انسان در هر حرفه‌ای که باشد یک حق و مسؤولیتی دارد. وقتی مرز این حق و مسؤولیت مشخص شود خود به خود استقلال عمل مربوطه هم تضمین می‌شود. «روزنامه‌نگاری» از یک طرف حق است و از

طرف دیگر مسؤولیت. در هر یک از مشاغل مطبوعاتی، حقوق مشخص است از مدیرمسئول گرفته تا سردبیر و خبرنگار. اگر الان این مسایل را مدیران ما نمی‌شناسند، مشکل از جای دیگری است. بنابراین مسؤولیت و حقوق روزنامه‌نگار مشخص است.

داشته باشد و به اعتقاد من برای یک کار مطبوعاتی بیش از ۲۱ ساعت مطالعه و تحقیق نیاز است.»

استقلال حرفه‌ای

در کنار مشکلات مالی و نبودن امنیت شغلی برای عموم روزنامه‌نگاران، شاید در کنار مشکلات حل‌نشده این قشر، صحبت در مورد حفظ و چگونگی استقرار استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، در مرتبه دوم قرار گیرد. زیرا روزنامه‌نگاری که حامی دارد و می‌داند آنچه به واقعیت می‌نویسد در پس حقیقتی دیگر، خود نابود نخواهد شد، بدون شک از استقلال حرفه‌ای بیشتری برخوردار است.

«جمیله کدیور» عضو شورای سردبیری اطلاعات ضمن تأکید بر حفظ استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگار به عنوان مهمترین و اصلی‌ترین دغدغه کار روزنامه‌نگاران می‌گوید: «استقلال باید به گونه‌ای باشد که شخص روزنامه‌نگار به منظور انجام فعالیت خود جهت تهیه خبر، گزارش، تفسیر و... از جانب هیچ فرد، گروه و به طریق اولی مسئول دولتی احساس محدودیت، هراس و نگرانی نکند. در عین حال ضمن اینکه به استقلال حرفه‌ای خود می‌اندیشد، به‌این نگرش و رشد نیز رسیده باشد، که منافع و مصالح کشور را بالاتر از هر خواسته یا سلیقه‌ای قرار دهد. بنابراین یک روزنامه‌نگار مستقل را روزنامه‌نگاری می‌دانم که ضمن آنکه جرأت و جسارت لازم را برای تهیه خبر، مقاله و... تحلیل‌های جدی دارد، در انجام مسؤولیت خود به مشکلات و محدودیت‌ها نمی‌اندیشد. با این وجود، همواره سعی می‌کند اهداف ملی و مصالح کشور را نیز مدنظر قرار دهد و به بهانه استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، ذره‌ای خدشه بر مصالح عالیله کشور وارد نمی‌آورد.»

■ نظام انتخاب دانشجوی

روزنامه‌نگاری باید به سمت

دخالت دادن مهارت‌های حرفه‌ای

سوق داده شود و از سوی دیگر

دانش‌آموزان مستعد و علاقه‌مند،

بیشتر متوجه انتخاب این رشته در

کنکور سراسری بشوند.



■ **هادی خانیکی مشاور**
رئیس‌جمهوری در امور رسانه‌ها
و مدرس ارتباطات: طبیعتاً هرچه
که ورودی‌های این رشته، از
توانایی‌های علمی و ذوق
روزنامه‌نگاری بیشتری
برخوردار باشند، خروجی‌های
تواناتری را هم به دنبال خواهند
داشت.

بی‌بهره بودن از کمترین حد امنیت شغلی، چه انتظاری از روزنامه‌نگاران داریم. او چگونه می‌خواهد درگیرودار مشکلاتش، در خدمت جامعه خویش، نقش خود را به خوبی ایفا کند؟ «علی‌اکبر قاضی‌زاده» دبیر گروه اجتماعی جامعه می‌گوید: «سال‌های پیش وقتی تازه شروع به کار مطبوعاتی کردم کسی به من گفت: «روزنامه‌نگار بیم جان دارد اما امید نان ندارد.» الان اگر سراغ هر کار دیگری به غیر از مطبوعات می‌رفتم شاید وضع درآمد خیلی بهتر از امروز بود. من شاهد حضور بسیاری از جوانان تحصیل‌کرده روزنامه‌نگاری بودم اما آنها صرفاً به خاطر تأمین نشدن، مطبوعات را رها کردند.»

رضا خسروی از روزنامه همشهری نیز می‌گوید: «خبرنگاری که حقوق وی بین ۴۰ تا ۶۰ هزار تومان است با کدام آسودگی خیال می‌تواند به افزایش کیفیت مطالب خود بپردازد؟ به دلیل ناکافی بودن سطح حقوق دریافتی روزنامه‌نگاران، بیشتر همکاران مطبوعاتی ما دچار چندپیشگی هستند و این برای مطبوعات ما سمی است مهلک. یونسکو تعریفی برای تدریس استادان دارد. استاد برای یک ساعت تدریس باید ۲۱ ساعت مطالعه



■ **محمد آل ابراهیم مدرس ارتباطات: به عقیده من باید آزمون روزنامه‌نگاری به‌طور خاص برگزار شود. نه این که هرکسی که تاکنون قلمی هم به دست نگرفته و صرفاً برحسب تصادف این رشته را انتخاب کرده بیاید و بعد از چهار سال هم با عنوان کارشناس روزنامه‌نگاری دانشگاه را ترک کند.**

□ **به جز مالکیت آیا در بحث مدیریت هم می‌توان گفت خود مردم باید نقش داشته باشند نه نمایندگان گروه‌هایی خاص؟**

شاید این سؤال که چرا با وجود اصرار و بافشاری روزنامه‌نگاران حرفه‌ای مبنی بر ضرورت وجود امتحان و گزینش از متقاضیان امتیاز نشریه، چنین تبصره‌ای به قانون مطبوعات اضافه نمی‌شود، بتواند از جمله مسایلی باشد که در دومین سمینار بررسی مسایل مطبوعات ایران مورد ارزیابی قرار گیرد. رضا خسروی یکی از نویسندگان روزنامه همشهری و روزنامه‌نگار با سابقه می‌گوید: «یکی از بزرگترین مشکلات مطبوعات ما، صاحبان امتیاز نشریاتی هستند که بدون داشتن کمترین دانشی از مسایل مطبوعاتی، مالک آنها هستند.

شاید هیچ فنی به اندازه مطبوعات و رسانه‌های نوشتاری، بی‌هویت و بی‌حامي نبوده است. به لحاظ جایگاه حقوقی و مدیریتی، پس از صاحبان امتیاز نشریات، مدیران مسؤول قرار دارند که بیشتر این افراد متأسفانه با بینش وزارتخانه‌ای به مطبوعات نگاه می‌کنند و تصور می‌کنند نشریه، یک اداره کل - یا وزارتخانه است که باید تابع سیستم نظام

که خوب می‌نویسد پس، مطبوعاتی است و می‌تواند مدیر نشریه هم باشد!

وی با اشاره به شرایط صدور مجوز، از زمان تدوین قانون مطبوعات در سال ۱۲۸۶ شمسی می‌گوید: «از آن زمان در تاریخ مطبوعات کشور به تعداد کثیری اسامی نشریاتی برمی‌خوریم که هرگز منتشر نشده است. امروز هم از این اتفاق‌ها بسیار می‌افتد. کسانی هستند که تصور می‌کنند می‌توانند نشریه درآورند اما نتیجه همان است که امروز شاهد آنیم. متأسفانه امروز، با وجود افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان رشته روزنامه‌نگاری، برای دریافت امتیاز نشریه، هیچ نیازی به داشتن این علم نیست!»

«فرامرز قوباغی» دبیر گروه گزارش روزنامه ایران نیز با اشاره به اینکه مطبوعات رکن چهارم دموکراسی‌اند در مورد مالکیت مؤسسات مطبوعاتی می‌گوید: «باید توجه داشت که مطبوعات به عنوان پاسدار قانون اساسی و رکن چهارم دموکراسی از سوی کدام شخصیت

حقیقی یا حقوقی اداره و کنترل می‌شوند. زیرا نوع مالکیت مطبوعات بر نحوه کارکرد و سمت‌گیری آنها در برابر تحولات اجتماعی بسیار مؤثر است. اگر بپذیریم مطبوعات یک پدیدهٔ منی با اهداف و کارکردهای ملی‌اند، پس مالکیت آنها نیز نمی‌تواند خارج از چارچوب منافع و مصالح ملی تلقی شود.

در کنار این بحث، به اعتقاد برخی از روزنامه‌نگاران، در شرایطی که مطبوعات می‌توانند تریبون سیاسی گروه‌های فشار باشند و تا حدودی هم جای خالی احزاب را پرکنند، شاید نیازی نباشد که صاحبان نشریات و مؤسسات مطبوعاتی از علم روزنامه‌نگاری آگاهی داشته باشند.

■ **محدودیت در استفاده از نیروی انسانی متخصص از یک سو، مشکلات مالی و امنیت شغلی روزنامه‌نگاران از سوی دیگر، شاید عاملی در یکسان بودن محتوای بیشتر نشریات هفتگی و ماهانه باشد.**



■ **عباس عبادی عضو شورای سردبیری سلام: من هیچ مشکلی در سیاسی بودن نشریات نمی‌بینم. البته بخشی از خلاء نبود احزاب در ایران را، مطبوعات پر کرده‌اند که چاره‌ای جز این هم نیست.**

مطبوعات و ابهام مالکیت!

مطبوعات ایران، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، مشکلات اصلی و فرعی بسیاری دارند. شاید یکی از مشکلات بنیانی را بتوان در چگونگی تولد یک نشریه یا روزنامه از یک سو و از سوی دیگر در چگونگی مدیریت آن جست‌وجو کرد.

دید شده که بعضی از صاحبان امتیاز نشریات، ناآگاه به مسایل مطبوعات و رسانه‌های نوشتاری هستند و صرفاً براساس منافع شخصی یا سیاسی، تریبون مطبوعات را برگزیده‌اند و نیز مدیران مسؤولی را داریم که ناآشنا به علم مدیریت مطبوعات، این مسؤولیت خطیر را پذیرفته‌اند. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا یک روزنامه‌نگار می‌تواند مدیر موفق هم باشد؟ آیا لازم است صاحبان امتیاز نشریات و روزنامه‌های کشور از مفاهیم کلی و جزئی مطبوعات نیز آگاه باشند؟

به اعتقاد «علی اکبر قاضی‌زاده» دبیر گروه اجتماعی روزنامه جامعه، در مورد مدیریت مؤسسات مطبوعاتی - از زمان مشروطیت تاکنون - سوءتفاهم‌های زیادی وجود داشته است. سوءتفاهم‌هایی از قبیل اینکه هرکسی

اداری باشد.»

«علی اکبر قاضی زاده» دبیر گروه اجتماعی جامعه معتقد است: «مدیریت مطبوعات، علم مستقلی است. این امر در مورد مدیریت مطبوعات نیز صادق است.»

□ به اعتقاد شما، مشکل کنونی ما، نبود علم خاصی به نام مدیریت مطبوعات است؟

— حرف من این است، امتیاز را به کسی بدهند که توانایی مدیریت مطبوعات را داشته باشد. کسی که دستکم قیمت کاغذ را بداند یعنی با مسایل فنی و اجرایی آشنا باشد و از طرف دیگر بداند قانون مطبوعات یعنی چه. پیشنهادم این است که از متقاضیان امتیاز نشریه، امتحان گرفته شود. ببینند چه کسی توان مطبوعاتی دارد و اهل این کار است. کسی که می خواهد کار مطبوعاتی انجام دهد آیا این کار را می شناسد یا اینکه هوس کرده است بیاید و ماجراجویی کند؟ همین است که میان این همه نشریه، فقط چند تایی از آنها قابل تأمل و خواندن است.

مدیر مطبوعاتی چه کسی است؟ چه پیشینی دارد و تا چه اندازه مطبوعات را می شناسد؟ چه اندازه از دغدغه های یک روزنامه نگار آگاه است؟ آیا آنچه که در نشریات کنونی ما تحت عنوان مدیریت اتفاق می افتد، همان نظامی است که می تواند همه و آله های یک مؤسسه مطبوعاتی را به یکدیگر متصل کرده و بیشترین کارایی و بهره روری را بدست آورد؟ پس اگر چنین است چرا بیشتر مؤسسات مطبوعاتی موجود در کشور اداره ای را می مانند با تعداد انبوهی کارمند پشت میز نشین؟

رضا خسروی می گوید: «در بزرگترین نشریات ما، جایی که ۴۰ تا ۶۰ نفر عضو تحریریه دارد، حدود ۴۰۰ نفر به عنوان کارمند اداری فعالیت دارند. در همه جای دنیا بخش خدمات کوچکترین واحد یک سازمان است اما در مطبوعات ما چنین نیست. گذشته از آن در بعضی از روزنامه ها، بخش اداری همواره خود را برتر از تحریریه می داند. البته این موضوع و شدت و ضعف آن به نوع نگرش مدیرمؤسسه و چگونگی مدیریت وی باز می گردد.»

□ اگر شما مدیر یک مؤسسه مطبوعاتی



■ محمد حیدری سردبیر ماهنامه گزارش: حتی در کشورهای که انتشار مطبوعات در آنها براساس ضابطه است و ناشران، افرادی خیره و مسلط به «اقتصاد روزنامه نگاری» هستند، منبع اصلی تغذیه مالی نشریات، درآمد حاصل از چاپ آگهی است.

بودید بخش اداری آن را چگونه سامان می دادید؟

«اگر مدیریت یک روزنامه در اختیار من بود، برای مثال، مسئول نقلیه را یک روزنامه نگار بازنشسته انتخاب می کردم، چون او دستکم به حساسیت های بخش خبری آگاه است و در ارائه خدمات به تحریریه یا بخش اداری، صحیح تر تصمیم می گیرد. در حاک حاضر با یک بحران شدید مدیریتی در پاره ای از نشریات و مؤسسات مطبوعاتی مواجه هستیم و همین بحران است که اجازه نمی دهد نشریات از کیفیت لازم برخوردار باشند.»

آگهی، حلال مشکل یا رقیب دردسرساز؟ پایداری مطبوعات کنونی کشور در کنار برخورداری از مدیریت صحیح مطبوعاتی و نیروی انسانی متخصص و سایر امکانات، وابسته به منابع مالی و درآمدی است که هزینه های انتشار نشریه را تأمین کند. اگر چه داشتن تمکن مالی در شرایط صدور مجوز نشریه وجود دارد، اما آیا تمکن مالی صاحب امتیاز، کافی است؟ در این صورت چه قدر می توان امید داشت که خود اهالی مطبوعات، امکان راه اندازی یک نشریه را

داشته باشند؟

«فرامرز قرباغی» دبیر گروه گزارش روزنامه ایران منابع مالی و درآمد مطبوعات را به دو بخش تقسیم می کند و می گوید: «درآمدهایی که حاصل فعالیت های مطبوعاتی و رسانه ای هستند چه در وجه اقتصادی و چه در وجه تک فروشی و اشتراک، حاصل دریافت کمک از اشخاص حقیقی یا حقوقی است که می توان دولت یا سازمان های دولتی را در این ردیف قرار داد. به نظر من می باید نظام مشخصی از کمک های مالی دولتی برای رسانه های جمعی تدوین و تعیین شود که در استفاده از آن، تبعیض و اختلاف جایی نداشته باشد. اگر بپذیریم مطبوعات چشم و گوش مردم در فرایند نظارت بر تحولات و عملکرد نهادهای گوناگون دولتی و غیردولتی اند پس باید بپذیریم که آنها از منابع مالی مطبوعات مطلع باشند.»

«علی اکبر قاضی زاده» دبیر گروه اجتماعی جامعه می گوید: «منابع مالی و درآمد مطبوعات مشخص است. تک فروشی، آگهی یا فروش تحقیق و پژوهش. متأسفانه برخی از همکاران ما نگاه منفی به گرفتن آگهی جهت تأمین هزینه های خود دارند. آنها فراموش کرده اند که هزینه یک نسخه روزنامه که بیش از ۶۰ تومان است باید به نحوی جبران شود تا ارزان تر بدست مردم برسد. مطبوعات ما باید به درجه ای از مطلوبیت برسند تا آگهی بگیرند. آگهی، افتخار یک نشریه است. کدام نشریه موفق را می بینید که آگهی نداشته باشد؟ آن عده از آقایان مطبوعاتی هم که با این شیوه تأمین هزینه ها مخالفت به طور حتم یا مطبوعاتی نیستند یا متکی به یارانه های

■ حدود ۶۰ نفر از دانشجویان

روزنامه نگاری دانشگاه

علامه طباطبایی و حدود ۹۰ نفر از

دانشگاه آزاد در سال ۷۶

دانش آموخته شده اند. اما این سؤال

مطرح است که آیا واقعاً هر سال

حدود ۱۵۰ روزنامه نگار تحصیل

کرده و پر انرژی به بدنه تحریری

مطبوعات ما متصل می شوند؟

دولتی‌اند.

اگر چه درآمد اصلی بسیاری از مطبوعات خصوصی و تعدادی از مطبوعات دولتی را آگهی‌های بازرگانی تشکیل می‌دهند، اما نگاه‌های متفاوتی به چگونگی وصول این منبع تأمین هزینه‌ها وجود دارد. این که آیا این منبع درآمد فقط صرف هزینه‌های روزنامه یا هر نشریه دیگری می‌شود یا اینکه یکی از دلایل اشتیاق برای گرفتن مجوز انتشار نشریه درآمدهای کلانی است که از طریق دریافت آگهی نصیب صاحب نشریه و مدیر مذکور می‌شود؟!»

«علی آغاغفار» دبیر گروه فرهنگی روزنامه ایران نیز معتقد است: «امروز به جرأت می‌توان گفت که کمتر نشریه‌ای - حتی دولتی - یافت می‌شود که بی‌نیاز از درآمد آگهی باشد. این چشمه حیات مطبوعات - اگر چه برای بعضی‌ها شُرشر می‌کند و برای بعضی‌ها چکه چکه! - از عواملی است که باید در عین حفظ پذیرش آن با تیزبینی خاصی از سوی دست‌اندرکاران مطبوعات مورد دقت گیرد. بسیاری از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران، «آگهی» را رقیب و برادر ناتنی صفحه موردنظر خود می‌دانند. شکی نیست که وجود آگهی در صفحه‌های هر نشریه به خصوص روزنامه، منجر به خلاصه شدن مطالب خواهد شد که این مهم، اگر چه هنری است ارزشمند! اما قالبی است که کیفیت بسیاری از مطالب را قربانی می‌کند.

حال در شرایط موجود با در نظر گرفتن قیمت کاغذ و فیلم و لیتوگرافی و سایر هزینه‌ها و جدال روزنامه‌نگار و برخی از مدیران در مورد درصدی که باید نصیب مدیر مؤسسات

■ حفظ استقلال حرفه‌ای

روزنامه‌نگاران منوط به آن است که روزنامه‌نگار از امنیت شغلی و مصنوعیت لازم برای انجام وظایف خود برخوردار باشد.



■ قاضی‌زاده دبیر گروه اجتماعی جامعه: حرف من این است، امتیاز را به کسی بدهند که توانایی مدیریت مطبوعات را داشته باشد. کسی که دست‌کم قیمت کاغذ را بداند یعنی با مسایل فنی و اجرایی آشنا باشد و از طرف دیگر بداند قانون مطبوعات یعنی چه.

اگر بتوانیم رقم بودجه تبلیغاتی مؤسسات عمومی و خصوصی کشور را جمع کنیم به هر حال عددی حاصل می‌شود که نشان‌دهنده توان اقتصادی کشور برای چاپ آگهی در مطبوعات است. این رقم هر مبلغی که باشد اگر در شرایط منصفانه و فارغ از به‌کارگیری اهرم فشار، رابطه بازی و سلیقه‌گرایی مدیریت‌های دولتی و نهادها، و فقط بر مبنای تیراژ و تأثیرگذاری مطبوعات به آنها تزیق شود، می‌توان امیدوار بود در عرصه نشریات، رقابتی سالم و سازنده و مفید برای کشور جریان یابد و دست‌اندرکاران آن گروه از مطبوعات که هم دارای دانش و تخصص و تعهد حرفه‌ای هستند و هم پذیرای زحمت و خطرات اجتناب‌ناپذیر این حرفه می‌شوند، بتوانند سرپا بایستند و آن کس موفق‌تر است که بیشتر می‌داند و بیشتر زحمت می‌کشد. اما دروغا که چنین نیست و آنچه سرنوشت مطبوعات را رقم می‌زند در اغلب موارد، روابط است نه ضوابط!

باید امکان دسترسی به اطلاعات برای روزنامه‌نگار فراهم باشد

در اعلامیه «یونسکو» که در تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۷۸ به تصویب «کنفرانس عمومی» یونسکو رسید، مسایلی در مورد روزنامه‌نگاران مطرح شده است. در بند دوم ماده دو اعلامیه، از آزادی و تسهیل دستیابی روزنامه‌نگاران به اطلاعات، حمایت شده است. در این بند، ضمن تأکید بر ضرورت تضمین دستیابی همگان به اطلاعات و حصول اطمینان آنان به صحت رویدادها، یادآوری شده است که «... بدین منظور، روزنامه‌نگاران باید از آزادی اطلاع‌دادن و بیشترین تسهیلات ممکن برای دستیابی به اطلاعات برخوردار باشند». بند چهارم همین ماده نیز به ضرورت حمایت از حرفه روزنامه‌نگاری اختصاص یافته است. در این بند گفته شده است: «... برای آنکه وسایل ارتباط جمعی توانایی داشته باشند در فعالیت‌های خود، اصول اعلامیه حاضر را پیشرفت دهند، ضروری است که روزنامه‌نگاران و سایر کارگزاران وسایل ارتباط جمعی، در کشور خودشان یا در خارج، از حمایتی که بهترین شرایط را برای اعمال حرفه آنان تضمین می‌کند برخوردار باشند. ماده ۹ اعلامیه نیز، وظیفه جامعه بین‌المللی برای کمک به حمایت روزنامه‌نگاران را مطرح

مطبوعات می‌شود، آیا مطبوعات قادر خواهند بود تا در یک بازار رقابتی، با درآمدهای مشروع به حیات خود ادامه دهند؟»

«محمد حیدری» سردبیر ماهنامه گزارش می‌گوید: «درآمدهای مشروع مطبوعات، عبارت است از: وجوه حاصل از چاپ آگهی و فروش نشریه و لاغیر. با توجه به قیمت کاغذ و دیگر هزینه‌های گریزناپذیر انتشار یک نشریه، یازانه فرهنگی احتمالی دولت و درآمد حاصل از فروش نشریه تکافوی حتی نیمی از هزینه‌های انتشار نشریه‌ای را که صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول و اعضای تحریریه‌اش هم تن به یک زندگی ریاضت‌طلبانه بدهند، نخواهد کرد. توجه داشته باشیم حتی در کشورهایی که انتشار مطبوعات براساس ضابطه بسیار و قانونمند است و ناشران، افرادی خیره و مسلط به «اقتصاد روزنامه‌نگاری» هستند، منبع اصلی تغذیه مالی نشریات، درآمد حاصل از چاپ آگهی است.

وی در ادامه با اشاره به ضروری بودن جذب آگهی برای ادامه حیات یک نشریه می‌گوید: اما در این میان آیا همه نشریاتی که در ایران انتشار می‌یابند و یا در آینده انتشار خواهند یافت امکان جذب آگهی وجود دارد؟



■ محمد آقازاده دبیر گروه
آیینه روزنامه ایران: در صورت
وجود روحیه آزادیخواهی، با
استفاده از یک قانون بد هم
می‌شود آزادی بیان را تضمین
کرد. اگر چنین روحیه‌ای حاکم
نباشد، بهترین قانون هم به
شکل‌گیری مطبوعاتی خنثی و
منفعل منجر می‌شود.

■ زمانی می‌توان از استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران دم زد که روزنامه‌نگاران به دور از جنجال و هیاهو، ابزار و آلت دست افراد و گروه‌های سیاسی نشوند و اجازه ندهند عده‌ای به اسم استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، اخلاق و منش روزنامه‌نگاری را خدشه‌دار سازند.

گروه‌های سیاسی نشوند و اجازه ندهند عده‌ای به اسم استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، اخلاق و منش روزنامه‌نگاری را خدشه‌دار سازند. روزنامه‌نگاران ما باید به گونه‌ای عمل کنند که نهادهای مختلف، جایگاه و پایگاه مهم و تعیین‌کننده آنها را به خوبی دریابند.

«عباس عبدی» عضو شورای سردبیری روزنامه سلام نیز معتقد است که ابزار، به خودی خود قادر به تأثیرگذاری نیست و تأثیر بر افکار عمومی نیازمند این است که خود مطبوعات نیز آینه افکار عمومی باشند و بخش قابل توجهی از جامعه، نمایندگان خود را در مطبوعات داشته باشند.

وی همچنین می‌گوید: «این بدان معنا نیست که یک روزنامه بتواند ادعا کند که حرف همه گروه‌ها و قشرها و دیدگاه‌های موجود را می‌زند. این ادعا، دروغی محض است. ایده‌آل این است که هر گروه و هر قشری، امکان ابزار و انتشار نظرش را داشته باشد. البته آینه افکار عمومی بودن بدین معنا نیست که تحریک‌پذیری عمومی زیاد شود. برخی از مطبوعات ایران وقتی به دنبال خواست‌های عمومی می‌روند، این خواست‌ها چندان تناسبی با منافع عمومی ندارند و به جای تأثیرگذاری، خاصیت تحریک‌کنندگی دارند. به‌طور مثال یک دبیر اقتصادی باید برای گران‌شدن بهای سوخت، تبیین اقتصادی داشته باشد و اگر این مسأله در راستای حفظ منفعت عمومی است از آن حمایت کند نه این که در این سمت نیز مانند یک شهروند ناآگاه به مسایل اقتصادی صرفاً آن را بد یا خوب بداند. در همه جای دنیا، اگر این اتفاق افتاد، نخبگان جامعه، مطبوعات را مورد بازخواست قرار

ساخته و اضافه کرده است: در انطباق با روح اعلامیه حاضر، بر جامعه بین‌المللی است که... به شرایط حمایت روزنامه‌نگاران و سایر کارگزاران اطلاعات در انجام وظایف آنان کمک کند. «یونسکو» برای رساندن کمکی گرانها در این زمینه، از موقعیت خوبی برخوردار است.»^۱ با وجود توجه خاص «یونسکو» به حمایت از استقلال و امنیت و حیثیت روزنامه‌نگاران در سراسر جهان که نشانه‌ای از اهمیت روزافزون استقلال روزنامه‌نگاری در صحنه جهانی به‌شمار می‌رود، این پرسش مطرح است که این حمایت از استقلال و امنیت روزنامه‌نگاران در ایران به چه صورت محقق می‌شود؟ آیا انجمن‌های صنفی و تشکلی‌های حرفه‌ای می‌توانند در این میان راهگشا باشند؟

«جمیله کدیور» عضو شورای سردبیری روزنامه اطلاعات در مورد ضرورت انجمن‌های صنفی می‌گوید: «فعال شدن هرچه بیشتر تشکلی‌هایی همچون انجمن صنفی مطبوعات در حمایت از استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند. از طرف دیگر زمانی می‌توان از استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران دم زد که روزنامه‌نگاران به دور از جنجال و هیاهو، ابزار و آلت دست افراد و

می‌دهند.»

افکار عمومی به عنوان مخاطب اصلی نشریات در یک سو قرار دارند و گروه‌های سیاسی کشور به عنوان جریان‌سازترین حوزه‌های خبری به نوعی مخاطب دیگر روزنامه‌ها و سایر نشریات هستند.

برخی از کارشناسان یکی از علت‌های اصلی دور شدن مطبوعات از مردم و پایین آمدن تیراژ آنها را، این می‌دانند که علت وجودی آنها را در دو عامل «سیاست» یا «تجارت» دنبال می‌کنند. عباس عبدی در این باره می‌گوید: «من هیچ مشکلی در سیاسی بودن نشریات نمی‌بینم. البته درست است که بخشی از خلاء نبود احزاب در ایران را، مطبوعات پر کرده‌اند که چاره‌ای جز این هم نیست. اما واقعیت این است که در کشور ما همه چیز سیاسی است. وقتی که یک شهروند لباسی به تن می‌کند که ربطی به مسایل سیاسی ندارد ولی سیاست با آن برخورد می‌کند، این لباس پوشیدن هم سیاسی می‌شود. یعنی دخالت سیاست در همه حوزه‌هایی که بالقوه مستقلند، باعث می‌شود در عمل همه این حوزه‌ها، سیاسی شوند. در این شرایط آب خوردن و راه رفتن هم سیاسی است چه رسد به نشر و انتشار. این اشکال، مربوط به ساختار سیاست در ایران است نه خود نشریات. اگر سیاست محدود به قدرت و کسب قدرت شود، آنگاه سایر حوزه‌ها می‌توانند عملکرد مستقل و مشخص خود را داشته باشند.»

استقلال مطبوعات، توهم یا واقعیت؟

دیرزمانی گذشته است. صدوهفتاد سال، زمان کمی نیست. امروز، زمان تحول و باور کردن حقایقی است که بارها و بارها یا به بی‌تفاوتی یا به اجبار - از کنار آنها گذشته‌ایم. باید باور کنیم که در عارض شدن این وضعیت نیز هرکدام از ما به عنوان یک عضو جامعه مطبوعاتی، نقش داشته‌ایم.

در کنار بحث استقلال و وضعیت آزادی به اعتقاد «متیوه شعاعی» دبیر گروه خبر، هفته‌نامه کیهان هوایی، عمده‌ترین مسأله روزنامه‌نگاران در هویت آنان است.

وی می‌گوید: «این مهم را نه در دانشگاه‌ها آموخته‌ایم و نه مدیران مسؤول نشریات به فکر و اندیشه چنین امری بوده‌اند. البته خود ما روزنامه‌نگاران نیز در این مورد مقصریم و باید



■ **رضا خسروی عضو تحریریه همشهری: یکی از بزرگترین مشکلات مطبوعات ما، صاحبان نشریاتی هستند که بدون داشتن کمترین دانشی از مسایل مطبوعاتی، مالک آنها هستند.**

در قبال انتقاد از ما سند می‌خواهند. در حالی که قانون چنین وظیفه‌ای را برای ما تعیین نکرده است. سند من منبع خیر من است و موثق بودن آن را خود من باید تشخیص دهم. پس روی همین اصل وقتی از تخلفی مطلع می‌شوم باید آن را مطرح کنم. ولی متأسفانه می‌بینیم که بسیاری از روزنامه‌نگاران بدون سند و مدرک متهم می‌شوند!

«منیوه شعاعی» دبیرگروه خبر کیهان‌هوایی مشکلات موجود در بحث انتقاد و جایگاه آن از لحاظ قانونی را به چند دسته تقسیم کرده و می‌گوید: «یکی از مشکلات عدم اجرای قانون از طرف مطبوعاتی‌ها و کسانی که با مطبوعات مرتبط هستند این است که، نه مسؤولان این قانون را به عنوان یک حق برای ما پذیرفته‌اند و نه خود ما مطبوعاتی‌ها به این حق اعتقاد داریم. درک این حقیقت و شیوه‌های برخورد برخی از مسؤولان کشور با مطبوعات منتقد باعث می‌شود انتقادها بی‌اثر بماند. مشکل دیگر در بحث انتقاد، بی‌میلی خود مطبوعاتی‌ها به انتقاد و رشد خودسانسوری در بین ما روزنامه‌نگاران است. کم‌مبلی ما به سوزهای پردردسر منجر به تبدیل ما به «کارمندان روزنامه» می‌شود. زمانی هم که با

■ **مدیریت مطبوعات، علم مستقلی است. بین کسی که سر مقاله یا گزارش خوبی می‌نویسد با کسی که روزنامه‌نگار است تفاوت وجود دارد. این امر در مورد مدیریت مطبوعات نیز صادق است.**

فراهم می‌آورد.»

وی با اشاره به لزوم وجود روحیه آزادخواهی و چالش‌های منتقدانه در جامعه می‌گوید: «در صورت وجود روحیه آزادخواهی، با استفاده از یک قانون بد هم می‌شود آزادی بیان را تضمین کرد اگر چنین روحیه‌ای حاکم نباشد، بهترین قانون هم به شکل‌گیری مطبوعاتی خشی و منفعل منجر می‌شود. به این دلیل من معتقدم که مشکلات را باید به گونه‌ای حل کرد که فکرازادی خواهی در جامعه نهادینه شود.»

قانون، چه انتزاعی باشد چه نباشد، چه سرشار از تبصره باشد و یا فقط در چند ماده خلاصه شده باشد، تنها ضمانت اجرایی است که یک روزنامه‌نگار در قبال فعالیت‌های حرفه‌ای خود داراست. حال که به قول «منیوه شعاعی» دبیر خبر کیهان‌هوایی محدوده عمل را قانون محدود نکرده است، چرا وقتی که قانون اجازه می‌دهد انتقاد صورت گیرد، در عمل و نتیجه، با مشکلات حل‌نشده در زمینه آزادی مطبوعات مواجه می‌شویم؟

□ **پس خط قرمز کجاست؟ با این تفسیر شما نباید منتظر خط قرمزی در حوزه‌های تبلیغاتی باشیم؟**

— در ماده سوم همین قانون مطبوعات از «انتقاد» گفته شده است. یعنی از ۳۶ ماده، سومی در مورد انتقاد است. ولی تبصره این ماده می‌گوید: انتقاد باید منوط به منطبق و استدلال باشد. در بسیاری از موارد، مسؤولان

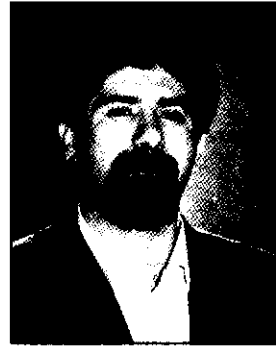
از خودمان شروع کنیم. من برای این حرفه مثل خیلی دیگر از حرفه‌ها مختصاتی قابل هستم که اگر کسی بدون شناخت این خصوصیات و معیارها وارد این حرفه شود نه تنها خودش زیان می‌بیند بلکه قداست این حرفه را نیز زیر سؤال می‌برد. ترجیح می‌دهم در این مورد به جای بحث آرمانی، واقع‌گرایانه صحبت کنم. در دانشگاه‌های ما، استادان ما حرف‌های آرمانی قشنگی می‌زنند. ولی واقعیت این است که بسیاری از آنان اصولاً درگیر کار مطبوعاتی نیستند و آنهایی هم که در مطبوعات هستند، در موقع قلم‌زدن همان آرمان‌هایی را که آموزش می‌دهند، به کار نمی‌بندند. به اعتقاد من اصل واقعیت، کارکردن در چارچوب قانون است. ما با تکیه بر همین قانون مطبوعات که البته نواقصی هم دارد می‌توانیم آرمان‌ها را عملی کنیم.»

□ **یعنی آرمان‌های ما واقعیتی هستند که تاکنون عملی نشده‌اند؟**

— ماده دوم از قانون مطبوعات از رسالت مطبوعات سخن می‌گوید، یعنی روشن ساختن افکارعمومی و بالا بردن سطح افکار و فرهنگ مردم. قانون به ما می‌گوید: تنویر افکار عمومی. افکارعمومی که تنها دنبال اخباری پیرامون آتش گرفتن یک محل و مسایلی از این دست

نیست. روشن ساختن افکارعمومی می‌تواند در مورد ارتقای دانش سیاسی مردم هم باشد. این وظیفه را هم قانون برعهده مطبوعات گذاشته است. وظیفه دیگری که در همین ماده از قانون مطبوعات مطرح شده، مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری است و این مظاهر را به‌طور روشن بیان و تفسیر می‌کند (اسراف و تبذیر و تجمل‌پرستی) که اقتصادی هستند و فساد و فحشا که در گروه اجتماعی فرارز می‌گیرند و تحکیم وضعیت سیاسی. یعنی طبق قانون ما موظف هستیم در همه زمینه‌ها سطح دانش عمومی را بالا ببریم.»

«محمد آقا زاده» دبیر گروه آینه روزنامه ایران، در مورد قانون مطبوعات ایران معتقد است: «قانون پدیده‌ای انتزاعی است؛ یعنی قانون به خودی خود هیچ قدرتی ندارد. این ما هستیم که به آن هویت می‌دهیم یا هویتش را می‌گیریم. در واقع توازن قدرت و نیروهاست که فرصت اجراشدن یا اجرا نشدن قانون را



■ فرامرز قریباغی دبیر گروه گزارش ایران: باید توجه داشت که مطبوعات به عنوان پاسدار قانون اساسی و رکن چهارم دموکراسی از سوی کدام شخصیت حقیقی یا حقوقی اداره و کنترل می‌شوند. زیرا نوع مالکیت مطبوعات بر نحوه کارکرد و سمت‌گیری آنها در برابر تحولات اجتماعی بسیار مؤثر است.

سوزدهای ناخواسته مواجه می‌شویم، خودسانسوری می‌کنیم.»

به اعتقاد منیژه شعاعی مشکل چهارم در بحث انتقاد، گنگ بودن مرز بین انتقاد دلسوزانه و تخریب مغرضانه است که نه بین روزنامه‌نگاران و نه بین مسؤولان روشن شده است.

وی می‌گوید: «مسؤولان با ما طوری برخورد می‌کنند که انگار یک رسانه بیگانه آن را مطرح کرده است و حتی عرق و تعصب ملی‌شان را نادیده می‌گیرند. یعنی گاهی انتقادهای روزنامه‌نگاران هم تخریبی است و از سوی دیگر هم، انتقاد برای مسؤولان هم مشخص نشده و آن را به حساب تضعیف جناح‌های مختلف می‌گذارند.»

۲ آیا علت این مسأله به تولد این نشریات برمی‌گردد؟ یعنی چون علت پیدایش آنها انتشار افکار و دیدگاه جناح‌های سیاسی است انتقادشان موضع‌گیری سیاسی تلقی می‌شود؟

– من می‌گویم اصلاً اشکالی ندارد که هرگروه و جناحی برای خودش روزنامه چاپ کند. ولی کار روزنامه چارچوب خاص خودش

را دارد. به اعتقاد من، همین جناح‌های سیاسی، که کار سیاسی انجام می‌دهند باید در عرصه فعالیت مطبوعاتی پایبند موازین و قالب‌های کار مطبوعاتی و اخلاق مطبوعاتی باشند و اگر نمی‌توانند، بروند و به جای روزنامه، بولتن حزبی چاپ کنند. چنان‌که خیلی از همین آقایان که مرز انتقاد و تخریب را نمی‌شناسند، کلی هم دم از قانون‌گرایی می‌زنند.

□ بدون شک با در نظر گرفتن جنبه قانونی این مسأله، راه‌هایی جهت اجرای بهتر انتقاد در مطبوعات وجود دارد، راه‌حل‌های پیشنهادی شما چیست؟

– قانون باید توسط خود روزنامه‌نگاران تبیین شود. اصلاً روزنامه‌نگاران ما چه قدر با قانون مطبوعات آشنا هستند؟ استادان روزنامه‌نگاری هم باید اشراف بیشتری به مسایل قانون مطبوعات داشته باشند. در کنار این مسؤولان و مدیران مطبوعاتی هم باید با این قوانین آشنایی داشته باشند. مشکل اصلی این است که جایگاه مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی تثبیت نشده است. اعتماد به نفس روزنامه‌نگاران باید در این مورد زیاد شود.

□ چگونه؟

– مسؤولان ما تبعیض بسیاری بین روزنامه‌نگاران داخلی و خارجی قائلند. برخی از مسؤولان اصلاً وقت مصاحبه نمی‌دهند؛ یعنی من روزنامه‌نگار را در آن حد نمی‌بینند که برایم حجت و دلیل بیاورند. در بسیاری از موارد مسؤولان ما سؤال را از رو می‌خوانند و سپس پاسخ می‌دهند. در حالی که مقابله با جبهه خبری مقابل، تخصص من است نه او. در حقیقت در زمینه خبر، ترفند خبری را ما باید پاسخ دهیم و ما نیازمند تجهیزیم نه آنها. مسأله دیگر ترغیب روزنامه‌نگاران برای جسارت در پرسش است. متأسفانه در مصاحبه‌ها، همیشه با این سؤال کلیشه‌ای مواجهیم که «عملکرد گذشته و برنامه‌های آینده‌تان را تشریح کنید.» مشکل نهایی این است که مرز بین تخریب و انتقاد مشخص شود. اول اینکه در بین خود ما مطبوعاتی‌ها انتقاد جا بیفتد و اگر ما یاد بگیریم که با لحنی متین، با انتقاد رویرو شویم این مسأله کم‌کم دامنه بیشتری خواهد یافت. در کنار و یا شاید در داخل مفهوم همین



■ منیژه شعاعی دبیر سرویس خبر کیهان‌هوایی: بی‌میلی ما به سوزدهای پردردسر منجر می‌شود تا به جای روزنامه‌نگار به کارمندان روزنامه تبدیل شویم.

خط قرمز مطبوعات، مسایل دیگری از قبیل خودسانسوری و اعمال فشار و سانسور و کنترل نیز می‌گنجد. حتی اگر بخواهیم با توجه به حضور واژه‌های سانسور و خودسانسوری، محدوده عمل را در قانون شناسایی کنیم، شاید به ایده‌آل برسیم.

«محمد آفازاده» دبیر گروه آئینه ایران معتقد است: «من وضعیت کنونی را چندان مثبت ارزیابی نمی‌کنم. چون شرایطی را می‌بینم که روزنامه‌نگاران با کمترین فشار، بیشترین خودسانسوری را بر خود اعمال می‌کنند. شاید علت این مسأله به‌خاطر انقطاع تاریخی نسل‌های روزنامه‌نگاران باشد که باعث شده است هر روزنامه‌نگاری از اول شروع کند و عاقبت هم، هیچ نسلی نتواند در جایگاه محکمی قرار گیرد. به همین خاطر در جامعه ما یک روزنامه‌نگار شناخته شده که حرفش در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار باشد نمی‌بینم.»

بحث انتقاد در مطبوعات، مبحث تازه و ناشناخته‌ای نیست. به راستی هر روزنامه‌نگار در عمر کاری خود بارها و بارها با این ماده ثابت قانون مطبوعات، مشکل داشته و دارد.

آنچه که در دومین سمینار بررسی مسایل مطبوعات ایران بایستی یک بار دیگر و صریحاً در مورد آن تصمیم گرفته شود جایگاه آزادی حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و انتقاد و سانسور در مطبوعات است. در شرایط موجود، در مطبوعات به شدت، تعبیرها و برخوردهای نادرستی از انتقاد می‌شود و در بسیاری از موارد به ابزار مخربی علیه نظام تعبیر می‌شود به همین دلیل، انتقاد توانسته است آن‌طور که لازم است وضعیت خود را در مطبوعات به‌طور روشن و صریح مشخص کند.

«مسئله دوم، ضعف مدیریت‌های مطبوعاتی در جا انداختن فرهنگ انتقاد است. بسیاری از مواقع رابطه‌های شخصی تعیین‌کننده حد و مرز انتقاد قرار می‌گیرد. طرح یک نامه در یک روزنامه، گاه می‌تواند مسئله‌ساز شود. تماس دستگاه یا مسؤلی که از او انتقاد شده با مدیریت فلان روزنامه یا مجله، کافی است که انتقادکننده را با هزارویک مشکل و مسئله رویه‌رو سازد.»^۲

به‌راستی، اگر در مورد انتقاد، بحث استقلال روزنامه‌نگار در مطرح ساختن مسایل و مشکلات را قبول نداریم، چرا از قانون مطبوعات حذف نمی‌شود تا دست‌کم، خیال جمیع روزنامه‌نگاران راحت شود!

روزنامه‌نگاری منتقد و ساختار قدرت

از مالکیت و مدیریت مطبوعات گفتیم. از نبود مدیریت مطبوعاتی در بسیاری از مؤسسات مطبوعاتی کشور و از منبع درآمدی نشریات و منبع درآمد روزنامه‌نگاران! نگاهی هم به تعداد انبوه نشریات و کمبود نیروی انسانی متخصص انداختیم و گفتیم که حامی می‌خواهیم و در این نبود حمایت، روزنامه‌نگاران از واضح نبودن قانون مطبوعات به عنوان یک حامی، گله دارند.

حال، شاید با طرح انبوه مشکلات بسیاری که می‌دانیم و می‌دانید، می‌خواهیم با زبانی دیگر از مشکلات مطبوعات ایران بگوییم. اینکه خودسانسوری در مورد روایات روزنامه‌نگاران را چگونه می‌توان تفسیر و تحلیل کرد؟ اگر بپذیریم که انتقاد، همان تحلیل و بررسی یک مسئله بدون غرض‌ورزی‌های شخصی است، شاید راحت‌تر بتوانیم در مورد مهمترین مسئله مطبوعات ایران صحبت کنیم. «عباس عابدی» عضو شورای سردبیری



■ آقاغفار دبیر گروه فرهنگی روزنامه ایران: شکی نیست که وجود آگهی در صفحه‌های هر نشریه به خصوص روزنامه منجر به اختصارنویسی خواهد شد که این مهم، اگر چه هنری است ارزشمند! اما قالبی است که کیفیت بسیاری از مطالب را قربانی می‌کند.

ولی مطبوعات ما تا رسیدن به کارایی مفیدشان هنوز فاصله دارند. مسأله دیگر، ثبات شغلی روزنامه‌نگاران در جامعه مطبوعاتی است. آنها، می‌روند و می‌آیند، بی‌آنکه بتوانند از یک طرف، تأمین اعتباری و مالی شوند و از طرف دیگر تأثیر لازم را در حوزه کاری خود بگذارند. به‌نظر من، یک دولت آگاه در ایران می‌تواند، مهمترین عامل در شکستن این دور باشد.»

در پاسخ به این سؤال که آیا دخالت دولت موجب تنگ‌تر شدن دایره استقلال و آزادی مطبوعات می‌شود یا نه و اصولاً، آیا رسیدن به جایگاه موردنظر، محرکی بیرونی لازم دارد یا پدیده‌ای خود جوش است، عباس عابدی می‌گوید: «مسئله دولت آگاه می‌داند که اگر امکانات و زمینه‌های لازم برای مطبوعات فراهم شود نشریات بیش از هر چیزی موی دماغ این دولت می‌شوند، ولی باز برخورد دولت آگاه، با این نشریات برخوردی آگاهانه است که نشان می‌دهد آنها را به عنوان یک منتقد جدی و نهادی که سخنگوی ملت است باور دارد. اما به هر روی، زمینه لازم را اوست که باید فراهم کند.»

در حرکت تند دوربین این گزارش، بدون شک شناخت کلیه مسایل جامعه روزنامه‌نگاری ایران میسر نیست، حتی شناخت عمده‌ترین آنها هم مجال و فرصت بیشتری می‌طلبد. امیدواریم سمینار بررسی مسایل مطبوعات ایران، مجالی برای این مهم باشد. واقعیت این است که در فاصله سمینار اول و دوم نشریات ما، هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی تغییراتی کرده‌اند. اما این که روند این تغییرات در نهایت به کدام سمت و سو می‌رود، بسته به عوامل زیادی است که اشاره‌ای هرچند گذرا به آنها داشته‌ایم و نظر خود روزنامه‌نگاران را در این باره جویا شده‌ایم.

خودشناسی مطبوعات و طرح مسایل آن در این نشریه، گام نهادن در پیچ‌وخم‌های نخست کوچهای است که باور داریم تنها و تنها به همت خود روزنامه‌نگاران طی می‌شود. □

پی‌نوشت‌ها:

۱. دکتر محمدزاد، کاظم. شکل صنفی و حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، رسانه، سال هفتم ش ۳، ص ۶۳.
۲. فرقانی، محمد مهدی. مشکلات انتقاد در مطبوعات، رسانه، سال اول، ش ۳، ص ۱۱.